

وقتی شاعران متکلمانند

تعریف شعر آیینی و جایگاه آن در ادب فارسی از زبان شاعران و پژوهشگران

محمد رضا سرسالاری

یوسفعلی میرشکاک : شعر آیینی شعری والا، آگاهانه و یا نیمه خودآگاهانه است که در نعت و منقبت معصوم بیان می شود. این شعر دو وجهی است؛ گاهی وجه وصفی و مدحی دارد و گاهی جنبه عاشقانه که شاعر معشوق خود را در چهره و سیره اهل بیت (علیه السلام) می جوید. به اعتقاد من چون شعر آیینی با سرنوشت و آخرت شاعر ارتباط دارد، این گونه شعری برترین شعری است که می تواند سروده شود.

زهرا محدثی خراسانی : هر مقوله شعری که سبقه دینی داشته باشد و متأثر از آموزه های اسلامی باشد، در قلمرو شعر آیینی قرار می گیرد. به طور کلی تنها مساله ای که شعر آیینی را از سایر انواع شعر جدا می کند، قلمرو موضوعی آن است. بر خلاف بسیاری از صاحب نظران که شعر مذهبی را موضوعاً به دو مقوله کلی منقبت و مرثیه محدود می دانند، آثار اخلاقی و عرفانی چون خمسه نظامی و نیز آثار غزل سرایانی چون حافظ، سرشار از رهنمودهای قرآنی و مفاهیم دینی و مقوله های ارزشی بوده و بیان گر تأثیرپذیری آنان از متون دینی است و از این رو این گونه آثار نیز جزء شعر آیینی می باشد.

بنا بر تعریفی که از شعر آیینی و گستره آن ارائه شد، ما با سه قلمرو موضوعی مشخص و قابل تعریف روبرو هستیم. ابتدا شعر توحیدی، نیایشی و عرفانی؛ دوم شعر اخلاقی، پندی، اجتماعی، مقاومت، بیداری و دفاع مقدس؛ و سوم شعر ولایی.

در میان گونه های شعری که پس از انقلاب متولد و یا دارای تعریف و جهت گیری های تازه ای شده اند، شعر آیینی جایگاه ویژه ای دارد؛ از آن رو که همواره در تعریف و نقد و ماهیت آن بین صاحب نظران اختلاف بوده است. عده ای این گونه ی شعری را دارای مرتبه ای ممتاز در ادبیات می دانند و عده ای دیگر اطلاق ژانر شعری و نوع ادبی به آن را بی اعتبار می شمارند.

برای یافتن تعریف شعر آیینی و شناخت جایگاه آن در ادبیات فارسی، گفتگویی با چند تن از صاحب نظران، اساتید دانشگاه و شاعران انجام شده که هدف از این گفتگو، رسیدن به تعریفی تازه از این گونه ی شعری و طرح مباحثی پیرامون آن بوده است.

دکتر محمود مهدوی دامغانی : برداشتی که از ادبیات آیینی در گذشته در عرصه ادبیات وجود داشته، با تعریف اکنون تفاوت بسیار دارد. ادبیات آیینی در گذشته به شعری اطلاق می شده که آداب و سنن و آیین مقدسه مردم را بیان می کرده است، ولی انگار در زمانه ما تعریف دیگری دارد و بیشتر به حوزه مذهب وارد می شود. با تعریفی که از گذشته در دست داریم، می توانیم حتی شاهنامه فردوسی را هم شعر آیینی بدانیم؛ چرا که آداب زندگی، همسرداری، جواهرداری و ... را می توان از این کتاب آموخت.



به دلیل ویژگیهای این نوع شعر و محدودیت الفاظ و دروغهای های آن، شعر آیینی از نظر ادبی و صورخیال شعری چندان برجسته نیست. شاعران آیینی بیشتر ناظم اند تا شاعر، و زبان شعر برای آنان وسیله ای است برای رساندن پیامشان. در روزگار ما چهره ممتاز این نوع شعر را می توان موسوی گرمارودی دانست. البته شاعران دیگری مانند شهیار نیز اشعار محدودی در این زمینه سروده اند.

در مقام مقایسه، شاعران آیینی مانند متکلمانند و دیگر شاعران مانند فیلسوفان که مقید به بیان مبانی شریعت نیستند، هرچند خود اهل دیانت باشند.

دکتر ویدا احمدی: آیین در لغت به معنای آداب و رسوم و روش است و همچنین به معنای آنچه که زیور و زینت است و نیز به معنای آذین است. در کتاب «نوروزنامه» و همچنین «تاریخ سیستان» به این کلمه در این معانی اشاره شده است.

در حوزه ادبیات، شعری که به صفت آیینی متصف است، در دو حوزه گسترده و خاص تر قابل بررسی است. در معنای گسترده، شعر آیینی به شعری گفته می شود که در آن از آداب و رسوم، خوی و منش و خصلت های ایرانیان سخن به میان رفته است. البته در حوزه مذهب می توان گفت که این شعر شامل معتقدات شیعی است و به ذکر مناقب اهل بیت (علیه السلام) اشاره دارد که سابقه آن به ادوار گذشته شعر فارسی باز می گردد. به عنوان مثال کسایی مروزی و محتشم کاشانی در زمره شاعران شیعی مذهبی هستند که فضایل اهل بیت را ستوده و مرثیه هایی در بزرگداشت ایشان سروده اند.

شعر آیینی در معنای خاص تر، آن است که به گونه ای با همین تفکرات و اعتقادات مذهبی مرتبط است و به نظر می رسد که امروزه دریافتی که از شعر آیینی به ذهن متبادر می شود، به این تعریف نزدیک تر است. هرگاه برای مخاطب امروزی درباره شعر آیینی سخن به میان رود، مخاطب انتظار دارد تا شعری بشنود که در آن از اعتقادات و تفکرات شیعی سخن به میان رفته باشد.

البته شعر و ادبیات آیینی تنها مختص به ادب فارسی نیست، بلکه در برخی از دوره های تاریخی در مغرب زمین، ادبیات برخی کشورهای اروپایی شاهد حضور ژانر خاصی از ادبیات و شعر بود که «Liturgy» نام داشت و شامل ذکر مصائب حضرت مسیح و حضرت مریم و زندگی ایشان و همچنین احوال حواریون و قدیسان و مسیحیان شاخص بود که به نوعی می توان آن را گونه ای از شعر آیینی در ادبیات جهان دانست.

آنچه از شعر آیینی با تعاریف و محدوده های مشخص از آن انتظار داریم، رهایی انسان از اسارت دشمنان درونی، یعنی شیطان و نفس و نیز رهایی از بند دشمنان بیرونی می باشد. از آن جا که بخش عظیمی از شعر آیینی، شعر ولایی و بازتاب زندگی ائمه اطهار (علیه السلام) در شعر است، انتظار می رود سیره و روش زندگی ائمه (علیه السلام) در روح و جان مخاطب تأثیرگذار باشد.

رسالت شعر آیینی، ایجاد تحول در نگاه و باور مخاطب است، تا او را در مسیر زندگی با بهره مندی از مضامین سازنده این گونه شعری یاری رساند؛ مضامینی چون دعا، نیایش، جهاد، تقوا، سیره زندگی ائمه (علیه السلام) و ...

سید حامد احمدی: به نظر می رسد ژانری به عنوان ژانر آیینی در تاریخ ادبیات، حتی از زمان شروع اشعاری که امروز می توان به آن شعر آیینی گفت، وجود نداشته است. اما امروز می توان به این مهم که این نوع شعر «ژانر» است یا نه، فکر کرد. تعریف من از شعر آیینی که البته منافاتی هم با تعریف گذشتگان ندارد، شوراندن وجدان جامعه علیه ظلم است.

هادی جهان آبادی: در یک بیان بسیار کلی، هنر دینی و آیینی، دو جنبه سلبی و ایجابی دارد. جنبه سلبی آن این است که موضوع آن، مورد نهی دین یا آیین قرار نداشته باشد که در این صورت همه هنرها دینی و آیینی خواهند بود؛ الا آن که دین و آیین، محتوای آن را نفی کرده باشند. اما جنبه ایجابی آن، این است که در محتوای آن از نمادها و نشانه ها و مفاهیم دینی و آیینی استفاده شده باشد که در این صورت، آن دسته از هنرها و شعرها، دینی و آیینی اند که از این نشانه ها و نمادها و مفاهیم برخوردار باشند.

جمع بین این سوبه ها آن خواهد بود که همه مصداق های هنرها جز آن مصادیق که محتوای مخالف با دستورات دینی دارند و در گروهی قرار می گیرند که دین یا آیین، آن را نفی کرده است، دینی و آیینی اند. آن آثار که از نمادها، نشانه ها و مفاهیم دینی استفاده کرده اند، دینی تر و آیینی تراند.

دکتر نعمت الله تقوی بهبهانی: شعر آیینی یا شعر دینی آن گونه که از صفت ممیزه اش هویداست، شعری است که در تبیین اندیشه های دینی سروده شده باشد؛ با هدف تشویق و گرایش به دین و آیین خاصی و یا دفاع از دروغهای های دینی خاصی. ناصر خسرو چهره ممتاز این نوع شعر است که سراسر دیوان او تعلیم باورهای دینی شاعر و دفاع از آن می باشد.